



چشم انداز

✓ در اینجا خطاب به مسلمانان می‌فرماید: شما را چه شده است که درباره منافقان دو دسته شده‌اید؟

✓ این که در آیه از آنان به عنوان «منافق» یاد می‌کند با اینکه مشرک بودند برای آن است که آنها در برهه‌ای از زمان، ادعای ایمان کردند، در حالی که ایمان نداشتند و این حالت منافقان است.

✓ تعبیر «واژگونی» برای آنها از این جهت است که با اظهار ایمان، سربلند شدند ولی با برگشتن به کفر قبلی در واقع وجود آنها واژگون گردید ...

✓ بازگشت مجدد آنها به شرک و کفر، هرگونه

امیدی را در هدایت یافتن آنها از بین برد. از این رو به مسلمانان می‌گوید: آیا شما می‌خواهید کسی را که خدا او را گمراه کرده هدایت کنید؟ در حالی که هر کس را خدا گمراه سازد دیگر هدایت نمی‌شود.

✓ بارها گفته‌ایم گمراه کردن خدا برای خود معیارهایی دارد. تا انسان، خود زمینه گمراهی خودش را با دست خودش فراهم نکند، خدا او را گمراه نمی‌کند.

خدا کسانی را گمراه می‌کند که خود آن را خواسته‌اند.

تفسیر کوثر، ج ۲، ص ۵۱۹ و ۵۲۰

شان نزول

✓ گروهی از مشرکین مکه به سوی مدینه هجرت نموده و به ظاهر دعوی اسلام می‌کردند. پس از اندک زمانی به وطن خود بازگشتند به عذر اینکه آب و هوای مدینه با آنها سازش ندارد و به آئین شرک بازگشتند و سپس با مال التجاره به سوی یمامه روانه می‌شدند. بعضی از مسلمانان به جنگ آنان برخاسته، بعض دیگر خودداری نمودند، چون این گروه در گذشته دعوی اسلام می‌نمودند. آیه خطاب تهدیدآمیز به گروهی از مسلمانان نموده، چه شده است که درباره جنگ و قتال با این جماعت اهل نفاق دو دسته شده‌اید؟

تفسیر انوار درخشان، ج ۴، ص ۱۵۲

واژه شناسی

✓ کلمه «ارکاس» به معنای واژگون کردن است و مراد از «ارکسهم» در آیه واژگونی فکری منافقان است.

تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۲۴

اثر وضعی اعمال آدمی

✓ این یک سنت فناپذیر الهی است که اثر اعمال

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةً وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا
أَتْرِيدُونَ أَنْ تَتَّخِذُوا مِنَ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَكُمْ بِهِ حِيلًا

خداوند به سبب رسول باطنی (عقل) و رسول ظاهری (پیغمبر) ایمان و کفر، طاعت و معصیت، هدایت و ضلالت، حق و باطل، نجات و هلاکت را مبین و موضح فرمود که: إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا. یعنی: ما هدایت را به تمام مردم نمودیم، یک دسته قبول هدایت نموده، مؤمن و شاکر شدند و جمعی دیگر به سوء اختیار خود نپذیرفته، کفور و کافر شدند.

تفسیر اثنی عشری، ج ۲، ص ۵۳۴

✓ مراد از «أَضَلَّ اللَّهُ» و یا «يُضِلُّ اللَّهُ» آن نیست که او گمراهی را در دل‌های آنان می‌آفریند، ابتدا چنین نیست. بلکه مراد این است: هرکس که با اختیار و اراده خود از راه حق و هدایت، تجاوز کند و راه باطل را در پیش گیرد، خدا نیز از وی اعراض می‌کند و او را به حال خود رها می‌سازد. تردیدی نیست، کسی را که خداوند به حال خود رها کند، جز گمراهی و دور شدن از هدف نمی‌تواند راهی را پیدا کند و این معنا با سخن خدا: «وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا» خداوند آنان را به سبب کردارشان مردود ساخته است» سازگاری دارد.

تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۲۴

✓ از جمله «بما کسبوا» استفاده می‌شود که بازگشت‌ها از جاده هدایت و سعادت و نجات، معلول اعمال خود انسان است و اگر این عمل به خداوند نسبت داده می‌شود به خاطر آن است که خداوند، حکیم و هرکس را مطابق اعمال خویش کیفر می‌دهد و به مقدار لیاقت و شایستگی پاداش خواهد داد.

تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۵۰

نحوه برخورد با منافقین

✓ منافق، کسی را گویند که در باطن کافر است لکن در ظاهر اظهار اسلام می‌کند و شهادتین می‌گوید. این تا مادامی که باطنش مکشوف نشده باید حکم به اسلامیت او نمود و با او معامله اسلام کرد، چنانچه در قرآن می‌فرماید «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (نساء/۹۴) لکن در قیامت باشد [به] عذاب گرفتار است: إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ (نساء/۱۴۵) و اما اگر باطنش ظاهر شد چه خودش ظاهر کند ... یا خداوند خبر از باطن آنها داد، دیگر نباید با آنها معامله اسلام نمود.

ترجمه تفسیر کاشف، ج ۲، ص ۶۳۰

خلاصه بحث

✓ عامل سقوط انسان، اعمال خود اوست.

✓ برای برخورد با منافقان، قطعیت و یکپارچگی لازم است.

✓ با وجود رهبری همچون پیامبر ﷺ، «تشتت آرا» ناپسند است.

✓ دایه مهربان‌تر از مادر نباشید. آن که خود، مقدمات سقوطش را فراهم کرده، چرا دلسوزی؟

✓ وقتی پیمانانه گناه پر شود، قهر خدا حتمی است. همه عوامل در برابر قدرت خدا بی‌اثر می‌شوند.

✓ کسی که طبق نظام قانونمند الهی به خاطر عملکردش از گردونه خارج شد، حتی تو که پیامبری، راهی برای نجاتش نمی‌یابی.

خلاصه مطالب برگرفته از تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۲۵ (با اندک

جابجایی در چینش جملات)

هیچ‌کس از او جدا نمی‌شود. چگونه می‌توانید انتظار داشته باشید افرادی که فکرشان آلوده و قلبشان مملو از نفاق و عملشان حمایت از دشمنان خداست، مشمول هدایت شوند؟ این یک انتظار بی دلیل و ناپجاست.

تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۵۰

ریشه اصلی گمراهی منافقین

✓ جملات قرآن را باید در کنار هم معنا کنیم. در این آیه هم «أَضَلَّ اللَّهُ» داریم و هم «يُضِلُّ اللَّهُ»، ولی جمله «بما کسبوا» نیز هست. یعنی گمراه کردن الهی، به خاطر عملکرد خود ماست.

✓ از جمله «بما کسبوا» استفاده می‌شود که بازگشت‌ها از جاده هدایت و سعادت و نجات، معلول اعمال خود انسان است و اگر این عمل به خداوند نسبت داده می‌شود به خاطر آن است که خداوند، حکیم و هرکس را مطابق اعمال خویش کیفر می‌دهد و به مقدار لیاقت و شایستگی پاداش خواهد داد.

تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۲۴

✓ از جمله «بما کسبوا» استفاده می‌شود که بازگشت‌ها از جاده هدایت و سعادت و نجات، معلول اعمال خود انسان است و اگر این عمل به خداوند نسبت داده می‌شود به خاطر آن است که خداوند، حکیم و هرکس را مطابق اعمال خویش کیفر می‌دهد و به مقدار لیاقت و شایستگی پاداش خواهد داد.

تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۵۰

نحوه برخورد با منافقین

✓ منافق، کسی را گویند که در باطن کافر است لکن در ظاهر اظهار اسلام می‌کند و شهادتین می‌گوید. این تا مادامی که باطنش مکشوف نشده باید حکم به اسلامیت او نمود و با او معامله اسلام کرد، چنانچه در قرآن می‌فرماید «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (نساء/۹۴) لکن در قیامت باشد [به] عذاب گرفتار است: إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ (نساء/۱۴۵) و اما اگر باطنش ظاهر شد چه خودش ظاهر کند ... یا خداوند خبر از باطن آنها داد، دیگر نباید با آنها معامله اسلام نمود.

تفسیر اطیب البیان، ج ۴، ص ۱۵۹

آیا خداوند انسان‌ها را گمراه می‌کند؟!

✓ خداوند وجود انسانی را به فطرت اسلامی خلق فرموده، به مصداق آیه شریفه: فَطَرَتِ اللَّهُ الْبَشَرِ الْفِطْرَةَ (روم/۳۰) و ایضا حدیث نبوی: كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ. (کافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، ص ۱۳، ح ۴) که مراد از فطرت، فطرت توحید و ایمان است که تمام نفوس بشر بر آن متخلق و متولد شوند و در این دار تکلیف هم

تفسیر اطیب البیان، ج ۴، ص ۱۵۹

خداوند وجود انسانی را به فطرت اسلامی خلق فرموده، به مصداق آیه شریفه: فَطَرَتِ اللَّهُ الْبَشَرِ الْفِطْرَةَ (روم/۳۰) و ایضا حدیث نبوی: كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ. (کافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، ص ۱۳، ح ۴) که مراد از فطرت، فطرت توحید و ایمان است که تمام نفوس بشر بر آن متخلق و متولد شوند و در این دار تکلیف هم

ایستگاه دوم: پرسمان زندگی (زال احکام)



درس ۱۳۰: خمس (قسمت اول)

✓ یکی دیگر از تکالیف اقتصادی مسلمانان، پرداختن خمس است. بدین معنا که در برخی موارد، باید یک پنجم مال خود را برای مصارف مشخصی بپردازند. آن موارد عبارتند از:

- آنچه از خرج سال زیاد بیاید. (منفعت کسب)
- معدن
- گنج
- غنائم جنگی
- جواهری که از فرورفتن در دریا به دست آید.

• مال حلال مخلوط به حرام

• زمینی که کافر ذمی از مسلمانی بخرد.

کافر ذمی غیرمسلمانانی که در ممالک اسلامی زندگی می‌کنند و با آنان پیمان بسته‌اند که مقررات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در مقابل، جان و مال آنها در امان باشد.

✓ پرداخت خمس مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که مالک یکی از موارد هفتگانه باشند باید به تفصیلی که گفته می‌شود یک پنجم آن را بپردازند.

منبع: کتاب آموزش فقه؛ نوشته محمدحسین فلاح زاده؛ صفحه ۲۲۳

۱. سوره مبارکه نسا؛ آیه شریفه ۸۸: شما را چه شده است که درباره منافقان، دو دسته شده‌اید؟ با اینکه خدا آنان را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند سرتگون کرده است. آیا می‌خواهید کسی را که خدا در گمراهی‌اش وانهاد است به راه آورد؟ و حال آنکه هر که را خدا در گمراهی‌اش وانهد هرگز راهی برای [هدایت] او نخواهی یافت.



- ✓ یکی از آیاتی که بسیار مورد استفاده انسان‌های سودجو قرار می‌گیرد همین آیه است که تمام اعمال زشت خود را می‌خواهند در مقابل کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند توجیه کنند.
- ✓ باید توجه داشت که در مقابل این آیه، آیات زیادی هست که درباره جهاد با کفار و منافقان و مقاتله با مشرکان و اجرای حدود نسبت به بعضی از معاصی می‌باشد.
- ✓ اگر در سیاق این آیه مبارکه توجه کنیم [لا اکره فی الدین/سوره بقره آیه ۲۵۶] درمی‌یابیم که این آیه در کنار آیاتی است که بیانگر قدرت و عظمت فوق العاده خداوند است و بعد از آن می‌فرماید لا اکره فی الدین. یعنی در دین، هیچ اکراهی نیست و خداوند برای بشر راه رشد و تعالی را از راه ضلالت روشن نموده است.
- ✓ بنابراین از آیه فوق ۲ مطلب به دست می‌آید:
 ۱. قدرت و تسلط الهی بر همه و لزوم قبول ولایت الهی و لزوم دوری از طاغوت.
 ۲. آسمان و زمین تحت فرمان او هستند و انسان مانند آنها یک بُعدی آفریده نشده است که «جبری» انجام وظیفه کند. چون انسان صاحب اراده است و می‌تواند راه خوب و بد را انتخاب نماید.
- ✓ از «اختیار» می‌فهمیم که نباید راه عصیان و طغیان را انتخاب کرد و گرنه راه ولایت حق از او قطع شده و در راه ظلمت و تباهی قرار می‌گیرد.
- ✓ قیام مسلحانه امام زمان و گسترش عدالت در جهان [هم بر اساس برداشت اول از آیه] خواست خداوند است.

منبع: کتاب ۲۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان؛ نوشته سید جعفر موسوی نسب؛ جلد دوم، صفحه ۱۹۸



ایستگاه چهارم: بایدها و نبایدهای تغذیه

درس ۱۴: چیپس (قسمت پایانی)

خلاصه مطالب جلسه گذشته

- ✓ مصرف تنقلاتی همانند چیپس و پفک، دارای اثرات جبران ناپذیری است که بسیاری از کارشناسان علوم غذایی در این مورد اتفاق نظر دارند.
- ✓ استفاده از روغن‌هایی که چندین بار برای سرخ کردن استفاده می‌شوند و غالباً بوی روغن سوخته و رنگ کدر و مات به محصول می‌دهند، از جمله خطرناک‌ترین موادی است که می‌تواند منجر به مسمومیت و سرطان‌زا شدن چیپس شود.
- ✓ و نمک زیاد چیپس باعث آسیب دیدن کلیه‌ها و تجمع آب در بدن و در نتیجه تورم بافت‌ها و افزایش فشار خون و سکنه‌های قلبی و مغزی می‌شود.
- ✓ اینک ادامه مباحث را پی می‌گیریم.
- ✓ گرما دیدن شدید محصول طی فرآیند سرخ شدن، منجر به ایجاد رادیکال‌های آزاد پراکسید می‌شود.
- ✓ این مواد، زبانی شبیه به مواد شیمیایی موجود در دود سیگار دارند و سبب ابتلای افراد به سرطان ریه، سینه و مثانه می‌شوند.
- ✓ مشخص نیست که در تهیه چیپس از چه نوع روغنی (مرغوب یا نامرغوب) استفاده می‌شود!
- ✓ همچنین سرخ شدن باعث دیر هضم شدن آن می‌شود.
- ✓ چیپس به دلیل کالری بالای روغن آن منجر به سیری کاذب می‌شود و میل افراد را به مصرف غذاهای مغذی کاهش می‌دهد.
- ✓ مصرف‌کنندگان دائمی این محصولات به بیماری‌هایی نظیر کم‌خونی، کوتاهی قد، پوکی استخوان و ریزش و تضعیف مو دچار می‌شوند.
- ✳ **کوتاه درباره «ذرت بوداده»**
- ✓ از آن جا که ذرت بو داده عضو گروه غلات است، انرژی بخش بوده و نه تنها در روغن سرخ نشده بلکه مواد افزودنی هم ندارد و فاقد مواد مضر است که بتوان به آن ایراد گرفت.
- ✓ پاپ کورن (ذرت بوداده) در صورتی نسبت به چیپس و پفک برتری دارد که در روغن و نمک، سرخ نشده باشد و در خانه تهیه شود. در غیر این صورت هر سه (پفک، چیپس و پاپ کورن) به یک اندازه مضرند!



ایستگاه پنجم: نق زدن‌های مان را مدیریت کن!

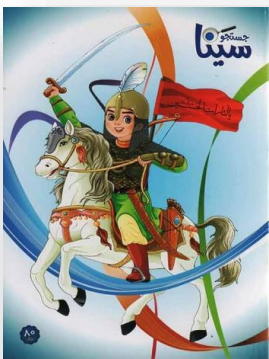
- ✳ **مردی به حضرت سلیمان علیه السلام مراجعه کرد و عرض کرد: می‌خواهم به من زبان یکی از حیوانات را بیاموزی. سلیمان علیه السلام فرمود: تحمل آن را نداری! اما مرد اصرار کرد. سلیمان علیه السلام پرسید می‌خواهی زبان کدام یک از حیوانات را بیاموزی؟ مرد پاسخ داد: زبان گربه‌ها را. چرا که در محله ما فراوان یافت می‌شوند. سلیمان علیه السلام در گوش او دمید و عملاً زبان گربه‌ها را آموخت.**
- ✳ **روزی دید دو گربه با هم سخن می‌گویند. یکی گفت: غذایی نداری که دارم از گرسنگی می‌میرم. دومی گفت: نه، اما در این خانه خروسی هست که فردا می‌میرد. آن گاه خروس را می‌خوریم. مرد شنید و گفت: به خدا نمی‌گذارم خروسم را بخورید! فردا صبح زود، آن را فروخت. گربه آمد و از دیگری پرسید: آیا خروس مُرد؟ گفت: نه، صاحبش آن را فروخت. اما گوسفند آنها خواهد مُرد و آن را خواهیم خورد. صاحب منزل، باز هم شنید و رفت گوسفند را فروخت. گربه گرسنه آمد و پرسید: آیا گوسفند مُرد؟ گفت: نه! صاحبش آن را فروخت. اما صاحب خانه خواهد مُرد و غذایی برای تسلی دهندگان خواهند گذاشت و ما هم از آن خواهیم خورد!**
- ✳ **مرد که این موضوع را شنید، به شدت برآشفته، نزد پیامبر رفت و گفت: گربه‌ها می‌گویند امروز خواهیم مُرد! خواهش می‌کنم مرا نجات بده! سلیمان علیه السلام فرمود: خداوند، «خروس و گوسفند» را فدای تو کرد، اما آنها را فروختی. پس خود را برای وصیت و کفن و دفن آماده کن!**

خداوند، الطاف مخفی بسیاری دارد که ما از آنها غافلیم ...
او با علم خود، «بلا» را از ما دور می‌کند، ولی ما با «نادانی»، نزول بلا را درخواست می‌کنیم!

به جای «نق زدن‌های بی‌شمار»، قدری هم «تسلیم» شیت مبتنی بر علم و حکمت خدا باشیم!



ایستگاه آخر: یک تکلیف «عصر ظهوری»



در آستانه سال تحصیلی جدید و با هدف معرفی «الگوهای برتر» و نیز «حمایت از تولید داخلی» می‌کوشیم برای فرزندان مان

لوازم التحریر ایرانی - اسلامی

تهیه کنیم

